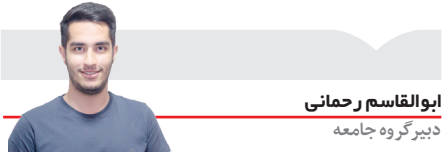


روایت «فرهیختگان» از روش عجیب برخی مدرسان کنکور برای جذب دانش آموزان

کارکاسبان کنکور به ابتدال رسید



ابوالقاسم رحمانی

دبیر گروه جامعه

وضعیت آموزش کشور روز به روز وخیم تر از چیزی که بود و حتی انتظارش را می کشیدیم، می شود. ابتدال فرهنگی و محتوایی روز به روز بیشتر از قبل به حوزه آموزش رسوخ ونمود پیدا می کند.

احتمالا کلیپ آموزش کنکوری دین وزندگی توسط یک به اصطلاح مدرس کنکوری را دیده اید. احتمالا دیده اید که با چه فضاحتی و به اصطلاح با تکبیه بر روش کدینگ در حال آموزش کنکوری دین وزندگی است که مثلا دانش آموزان با پیوند فلان خواننده مبتدل با آیات قرآن راحت تر تست بزند و در کنکور موفق باشند. راستش را بخواهید به قول یکی از کارشناسان آموزشی باید از این مدرس ممنون باشیم به خاطر اجرای این شوی حال

به هم زن که واقعبیت ها را بیش از آنچه فکرش را می کردیم به ما نشان داد. به ما نشان داد که فضای ولنگاری اقتصادی حاکم بر روند آموزش چطور می تواند همه چیز را تحت سیطره خودش بگیرد و با بدترین و مبتذل ترین رویه آن را به خورد دانش آموزان بدهد. البته این نگاه خوشبینانه ای است که تست زنی و این روش برای موفقیت در آزمون چندساعته کنکور را به آموزش گره نزنیم، چرا که عملا هیچ امر آموزشی و تعلیم و تربیتی اتفاق

نمی افتد، صرفا تکنیک هایی برای یک موفقیت مقطعی در یک آزمون سراسر ایراد عاید دانش آموزانی می شود که تمام وقت و عمر و سرمایه شان را صرف این بازار کرده اند. خلاصه سخن همان حرفی است که ابتدا زدم، وضعیت آموزش روز به روز به سمت وخامت بیشتر در حرکت است و متولیان امر آموزش هم انگار خودشان را به خواب زده اند، نه رویه ای برای نظارت بر این فضا دارند و نه برنامه ای برای حذف آن! صدواوسیمای وقفه این

موسسات را تبلیغ می کند، سایت های خبری و... آنها را تبلیغ می کنند و مخاطبان که دانش آموزان و خانواده ها هستند هم چشم بسته و سرسپرده به این مشرووعیتی که رسانه ها به این افراد و موسسات می دهند، پول خرج می کنند تا دانش آموز به فلان رتبه و دانشگاه و مدرک تحصیلی برسد! پیرو تحلیل همین فضا بد نیست ابتدا به چند مساله اشاره کنیم و بعد هم گفته های متخصصان و کارشناسان مطلع از این حوزه را مرور کنیم.

هفت تیر کشی کاسبان آموزشی در شهر بی کلاتر

در فضای مجازی و اینترنتی جست وجو می کنم. خیلی هم به دردرس نمی افتم، چون پیدا کردن کاسبان آموزشی خیلی کار سختی نیست، هم پلتفرم های خوش رنگ و لعاب دارند و هم برای خودشان دفتر و دستکی راه انداخته اند و هلدینگ آموزشی دارند و نرم افزار تولید کرده اند و حسابی با شان داغ است. هر چقدر هم که بدشان را می گویم بیشتر استقبال می کنند و می گویند تبلیغ هم شده ایم! در چه چندمی های این فضا هم که هنوز توان گسترده تر کردن کارهایشان را ندارند و به قولی ماهیگیران تازه کار آب گل آلود نظام آموزشی کشورند، یک صفحه اینستاگرامی و کانال تلگرامی و... راه انداخته اند و از این بی نظارتی

و بی توجهی به این فضا نهایت سود و بهره را می برند و خودشان را برند می کنند. شاید خیلی ها گمان کنند اولین و آخرین پلتفرم آموزشی موجود همین پلتفرم نیم بند و پرعیب و ایراد شاد است که مسئولان آموزش کشور بعد از سال ها با هزار زحمت و حاشیه آن را به راه انداخته اند، اما این طور نیست. کاسبان کنکور و فضای آموزشی کشور مدت ها است از چند سال قبل وارد این فضا شده اند و به طرق مختلف تا توانسته اند هم پیش رفته اند و محتواهایی را در این فضای بی در و پیکر مجازی و اینترنتی ریخته اند و جیب هایشان را پر پول کرده اند. آنقدر پیش رفته اند که به هیچ اصل و اساسی پایبند نیستند و از هیچ ابتدال و اقدام زردی دریغ نمی کنند تا شاید همین ها باعث شود که یک دانش آموز در کنکور یا استحان

یا هر متر و معیار معیوب دیگری در ساختار آموزشی موفقیت کسب کند. در یک ننگ کلی ابتدا باید مساله را به دو بخش محتوایی و اقتصادی تقسیم کرد؛ دو بخشی که برای هر کدام می توان دوچین متولی معرفی کرد؛ از وزارت آموزش و پرورش و وزارت ارتباطات تا مجلس و وزارت اقتصاد و فرهنگ و هر جای دیگری که به طریقی مسئولیتی در این حوزه دارند. منتها این دوچین نهاد و سازمانی که انتظار ورود و کنشگری از آنها داریم، تا به حال برای سامان دادن این فضا گامی برنداشته اند و نتیجه این شده که هر کسی از مادرش قهر کرده است بروشرو تبلیغی را آماده کرده و ادعای قبولی تضمینی به دانش آموزان در فلان دانشگاه می دهد و برای این ادعا هم میلیون میلیون پول می گیرد و جیبش را پر می کند. اگر قرار بر

معرفی ابر کلید و اژه ای برای ایجاد این وضعیت باشد، شاید کنکور فصل مشترک تمام این کاسبی هاست. منتها کنکور هم زائیده ساختار آموزشی است که مدت ها تعلیم و تربیت را به موفقیت در همین آزمون چند ساعته گره زده است و تمام نهاد های بعدی هم در این مسیر آن را همراهی کرده اند. تلویزیون را روشن کنید، چندتا درمیان تبلیغ فلان موسسه را می بینید، جهش و خیزش و انواع و اقسام دیگر از این نام ها با همین وزن ها! چنان روح و روان مخاطبان و خانواده ها و دانش آموزان را تحت تاثیر قرار داده اند که راهی جز موفقیت در کنکور در اذهان هیچ محصل و خانواده ای باقی نمانده است. آن وقت بدبختی است که وقتی ما هم این رویه را نقد می کنیم، موسس و مدیر فلان آموزشگاه به جای نقد این

انتقادات و ناراحت شدن از آن، می گوید مشتریان من با تبلیغی که شما کرده اید بیشتر شده اند! به هر حال شرایط کرونایی و لزوم استفاده از آموزش از دور و تعطیلی مدارس و آموزش حضوری بیش از گذشته بازار این کاسبان آموزشی را داغ کرده و بیشتر از همیشه آنها را به فکر کسب سود واداشته است. پیرو همین مساله و در نقد این ساختار که فقط در یک اقتصاد ولنگار و نه آزاد فرصت بروز و ظهور پیدا می کنند با چند نفر از کارشناسان و متخصصان حوزه فناوری و آموزش گفت وگو انجام دادیم تا ببینیم ابتداء حل خروج از چنین وضعیتی چیست و بعد هم اینکه اگر آن راهکارها به این رویه های امکان بروز ندارند، دستورالعمل اوزر انسی برای جلوگیری از وخیم تر شدن ماجرا وجود دارد یا خیر.

ابتدال در آموزش ما حاصل نتیجه محوری

عادل برکم، کارشناس آموزشی ابتدا علت بروز چنین پدیده ای را در حاشیه قرار گرفتن مساله آموزش معرفی می کند و به

«فرهیختگان» می گوید: «این اتفاقات و حواشی ناشی از این است که آموزش و بحث تحصیلات کنار رفته است. مساله کنکور و اینکه نتیجه بگیرید و بتوانید در کنکور درصد بالاتری از افراد دوره بگیرید، به اصل علم آموزی سایه افکنده است. دین وزندگی درسی است که اگر از جنبه تقویت دینی نگاه کنید، برای این است که اخلاقیات و مسائل دینی به افراد آموزش داده شود و این را یاد بگیرند، ولی کنکوری شدن این مساله و اینکه کنکور مساله مهمی برای برخی رشته ها شده، باعث می شود خیلی به محتوا توجه نشود و دانش آموز و والدین حتی در مدارس خصوصی و دولتی از معلم نمی خواهند چه درس را بفهمد، بلکه مهم این است که بتوانند درصد قابل قبولی از تست های دین وزندگی را بزنند و انتظار ندارند مثلا درس ادبیات را بفهمد و کسی از معلم نمی خواهد با فرهنگ فارسی و زبان فارسی و ادبیات فارسی آشنا شود یا بتواند خوب بنویسد و نگارش خوبی داشته باشد یا متن ادبی خوبی بنویسد و تحلیل کند، بلکه از معلم انتظار دارند دانش آموز تست را خوب بزند و این یعنی انتظار والدین عوض شده و انتظار بازاری شده است. با این اوصاف تا هر زمانی که کنکور باشد با این معضل مواجهیم. این شکل آموزش و تصویر سازی منوط به یک درس نیست و سال های گذشته و همین الان هم در درس دیگر وجود دارد و حتی اگر از اسم فلان خواننده و از مسائل خارج از عرف استفاده نمی کرد، خیلی مورد توجه قرار نمی گرفت. باید از ایشان ممنون بود که چنین مثالی را استفاده کرده که مبتدل بودن این شیوه آموزش مشخص شده و گرنه در رشته های ریاضی، فیزیک، زیست شناسی یا چنین روش هایی آشنا هستیم. وقتی طرف برای هر سوالی یک فرمول خاصی می سازد و قدرت اثبات و استدلال و فهم این مسائل مانند فیزیک و ریاضی را از دانش آموز می گیرد، در همین حد مبتدل و زشت و کره است، ولی ایشان باعث شد با همین یک مثال و یک بحث خارج از عرف و اخلاقی، رشتگی این معضل آشکار شود. اینکه آموزش و نتیجه گرفتن را جایگزین درک فهم و معنی کرده، باعث شده یک سری درس ها که در کنکور نیستند به آن توجهی نشود.»

به سرعت باید کار گروھی اجرایی برای نظارت بر محتوای آموزشی موجود در فضای مجازی ایجاد شود

کیوان نقره کار، کارشناس حوزه فناوری هم در ادامه با فرهیختگان «در ارتباط با این بلبشوی آموزشی در فضای مجازی به گفت وگو پرداخت و ضمن انتقاد از این وضعیت گفت: «هر کدام از ما که به عنوان فعال اقتصادی فعالیت می کنیم، منتظر فرصت های بازار هستیم و این امر برای کسی که فعالیت اقتصادی دارد، طبیعی است. کرونایک فرصت اقتصادی را در حوزه آموزش ایجاد کرده که از بسترهای فضای مجازی بتوان فرصتی اقتصادی ایجاد کرد ولی اینکه فضایی ایجاد می شود که هر کسی بتواند در آن ورود کند یا هر کسی ابزار و امکاتی دردمی تواند از آن درآمذایی کند، این محل اشکال است. اولا چه کسانی باید در این عرصه حضور یابند؟ کسی که سابقه آموزشی داشته است، چه به شکل سنتی و چه به شکل مجازی. ثانیا فرد ابزارها و امکاناتی دارد و می خواهد به این عرصه ورود و از این فرصت استفاده کند یا ارزش افزوده ای برای افراد ایجاد کند که برای او هم مشکلی وجود ندارد و اگر امکانات لازم را دارد می تواند حضور یابد. نکته مهم تر از این به بعد است که کار بر و مصرف کننده و خریدار چطور می تواند به محتوایی اطمینان کند که ارائه می شود؟ آیا صرفا اگر بستری باشد، هر تبلیغی از صدواوسیمای انجام شود نشان دهنده کیفیت خوب آن است؟ بنابراین با وجود اینکه افرادی در این عرصه ورود و حضور می یابند، فرصت سازی هم برای خود با نگاه اقتصادی می کنند و هم امکاتی را در اختیار دیگران قرار می دهند نیاز است یک نهاد متولی ورود کند و از لحاظ کیفی و حتی موارد دیگر مثل محتوای ارائه شده، اساتید، بستری که محتوا ارائه می شود، قیمت گذاری که انجام می شود نظارت کند. یک سوال ممکن است ایجاد شود و آن اینکه اگر بخواهیم در برورکاسی بالاسری و نظارت های بالادستی برویم به یک زمانی می خوریم. ممکن است وارد پرسوسه ای شویم که اصلاح فرصت از دست برود. این ایرادی است که برای سازمان های نظارتی ما همیشه وجود داشته، به خصوص وقتی صحبت از فناوری با آن سرعت توسعه و گسترش می شود اما الزام است این موضوع هم وجود داشته باشد.

روزانه ده ها پیامک و تبلیغ از آموزش های مختلف مجازی و امکانات مختلف حوزه آموزش مجازی می بینیم، به صرفا حوزه ارائه محتوا باشد، خدمات گوناگون و اپلیکیشن هایی که در این زمینه کار می کنند، چقدر قابل اطمینان

اگر امکان حذف علل اصلی نیست

حداقل تبلیغ شان نکنیم

برکم در ادامه در پاسخ به این سوال که آیا در حال حاضر به جز راه حل حذف کنکور راه دیگری برای جلوگیری از این ابتدال در آموزش وجود دارد یا خیر، گفت: «متاسفانه باید بگویم راهی نداریم یا اگر هست روشی که قابل قبول باشد و بتوان جلوی این معضل را بگیرد و صد درصد حذف کنیم، نیست. شاید یک روش این باشد که در محیط های رسمی و صدواوسیمای این تبلیغات در هیچ سطحی نداشته باشیم. تبلیغات کمک آموزشی نباید در صدواوسیمای داشته باشیم. حداقل اگر ریشه اصلی و علت اصلی را حذف نمی کنیم، جلوی تبلیغات کاذب را بگیریم، یعنی اجازه ندهیم خدغه های کاذب برای خانواده ها ایجاد شود، اجازه ندهیم اینها بیشتر بتوانند مشتری جذب کنند و توسعه یابند. اجازه ندهیم رشد کنند، یعنی اگر نمی توانیم علت اصلی را از بین ببریم، مواعینی در این زمینه وجود دارد، حداقل از این علت های جانبی بکاهیم. شاید برای خیلی از خانواده ها کنکور مساله نباشد. وقتی تلویزیون را روشن می کنند، روزنامه و رسانه منگوب را می گیرند و دائما به خانواده ها تلقین می شود که این کنکور مهم است، فلان پکیج آموزشی و کمک آموزشی هم هست، کم کم برای او خدغه می شود. اگر دغدغه ای نداشته باشد به کمک این تبلیغات این فرد و این خانواده احساس می کنیم و برای آنها دغدغه کاذب ایجاد می کنیم. شاید فرد نیازی به این بسته آموزش کنکوری نداشته است ولی همین تبلیغات باعث می شود نیاز کاذبی برایش ساخته شود و دغدغه ای کاذب و کم اهمیتی ایجاد شود. غیر از اینکه کنکور را حذف کنیم این بدبختی ترین و اولیه ترین خواسته ای است که انتظار می رود اتفاق افتد و حداقل رسانه های دولتی که بودجه خود را از دولت می گیرند، همان طور که تبلیغات چپیس و بفک را مضر می دانند و انجام نمی دهند، مطمئن باشند ضرر اینها بیشتر است و تبلیغ شان نکنند.»

بازار اقتصادی جذاب و آزاد کاسبان کنکور را محدود کنیم

این کارشناس آموزشی در ادامه گفت: «دومین مساله این است که برای موسسات حذف مشوق های مالیاتی را در نظر بگیریم. این کسب و کارهای کاذب آموزشی در فضای اقتصادی فعلی که اگر به سمت خیلی از کسب و کارها بروند سود کمتری دارند، این کار سود زیادی دارد، ما با مالیات و حذف مشوق های مالیاتی و مالیات گذاشتن این مساله را می توانیم مدیریت کنیم تا از مطلوبیت اقتصادی این حوزه کم شود و افرادی که بخواهند در این حوزه کار کنند صرفه اقتصادی نداشته باشد و در حوزه تولیدی وارد شوند. موسسات آموزشی بزگی در کشور داریم که اینها تحت عنوان پشتیبان نیروی انسانی جذب می کنند. وقتی این نیروی انسانی را جذب می کنند به اومی گویند اگر می خواهید حقوق خوبی پیدا کنید باید تبلیغات کنید و کلاس خصوصی بروید و همین سبب شده فردی که در جایگاه کسی بوده که تا سال پیش کنکور می داد و امسال در کنکور موفق شده در این گردونه قرار بگیرد و بخواهد بسته آموزشی بیشتری را بفروشد و احساس نیاز می کند و تئور بازار را داغ می کند ولی اگر موسسات آموزشی مشوق های مالیاتی نداشته باشند، اگر کتابی چاپ می کنند مالیات پرداخت کنند و یارانه کاغذ نداشته باشند، نیروی انسانی تحت هر عنوانی استخدام می کنند، موظف باشند حقوق پایه کارگری را پرداخت کنند، باعث می شود در این فضای حمایتی رشد نکنند و آسیب فرهنگی به جامعه وارد نکنند. یک مساله دیگر وجود دارد؛ اینکه صدواوسیمای به جای اینکه تبلیغات انجام دهد به طور کامل شبکه اختصاص دهد نه حتی در دوران کرونا که در سال های آینده و یا از بین رفتن بیماری هم معلم های برتر در این شبکه تدریس کنند و برای همه این فرصت مهیا شود که از همه درس ها استفاده کنند. «برکم در پایان به نقش سازمان سنجش هم در وضعیت به وجود آمده اشاره کرد و گفت: «باید قبول کنیم سازمان سنجش که از محتوای آموزشی سوال طرح می کند هم در این وضع به وجود آمده مقصر است. سوال ها به نحوی استاندارد نیست. از این نظر که طرف بتواند با خواندن کتاب نمره کامل را کسب کند و به موفقیت برسد. سازمان سنجش از آن سازمان هایی است که هیچ گاه از آن انتقاد نمی شود و هر زمانی خواستند انتقاد کنند به سمت آموزش پرورش سوق داده می شدند اما با قبول اینکه آموزش پرورش هم ایراد دارد و نظام عدالت آموزشی و تبعیض و مشکلات اقتصادی و بازار کمری و... وجود دارند، اما سازمان سنجش هم مشخص کند این شیوه ارزیابی به چه صورت است که باعث می شود موسسات کنکوری چون هدیا سوالات استاندارد نیست، اگر سوالات قالب خاصی نداشته باشند که بتوانند فرمالیزه شوند و اگر سوالات به نحوی نبودند که بتوانند کد بندی شوند، آن هدف شکل نمی گرفت. الان سازمان سنجش هم باید پاسخگو باشد.»

هستند؟ (اطلاعات مادر اختیار چه کسانی قرار می گیرد؟ محتوایی که ارائه می شود قابل اطمینان است یا خیر؟ اینها مواردی است که نیاز به نگاه یک بالاسری حرفه ای و سریع دارد. من فکر می کنم دو، سه مجموعه می توانند کمک کنند که متاسفانه همیشه در حوزه فناوری اطلاعات نهاد های زیادی داریم اما لازمه این حوزه همین است. اگر بخواهیم نگاه محتوایی صرفا روی درس درسی داشته باشیم آموزش پرورش می تواند نهاد متولی باشد. اگر نگاه های زیر ساختی به این ماجرا وجود دارد سمت وزارت ارتباطات می رود. اگر نگاه های اقتصادی به این امر است مرکز تجارت الکترونیک و وزارت صمت می توانند متولی این حوزه باشند. بهترین کار این است که الان با توجه به اینکه موضوع پراهمیتی است و با وجود تعداد دانش آموزی که داریم و خانواده آنها که درگیر هستند، یعنی شاید کل کشور را به صورت مستقیم و غیر مستقیم در برمی گیرد، نیازمند این هستیم که کار گروھی از این وزارتخانه ها و مجموعه ها در نظر گرفته شود و این کار گروھ بتواند اختیاراتی که به آن داده می شود، سریع در این حوزه تصمیم بگیرد و قانون گذاری و نظارت خاص خود را داشته باشد. فضای به وجود آمده بخشی به خود ولنگاری که اساسا فضای مجازی و شبکه های اجتماعی دارند وابسته است، یعنی به نحوی ذات شبکه هاست. آنجایی باید دقت کنیم که به غیر از نهاد نظارتی کاربر مصرف کننده هم درگیر حوضای مجازی نشود و این فرصت را در اختیار افراد قرار ندهد که با شعارهای زود به نتیجه رسیدن، هزینه پایین و... بتوانند سوء استفاده کنند. بنابراین حتما در این فضا هم نیازمند نهاد ناظر هستیم مردم باید هوشمندانه رفتار کنند و اسیر تبلیغات نشوند.»

اقتصاد لیبرالی برای وضع موجود توجیهاتی دارد، پس از آن حمایت می کند

امیر خراسانی، جامعه شناس هم در رابطه با فضای اقتصادی و بازاری حاکم در حوزه خدمات، خصوصا خدمات آموزشی به «فرهیختگان» گفت: «دولت از این مساله استقبال می کند. از چند جهت می توان به این موضوعات نگاه کرد؛ موضوع اول این است که در شرایط فعلی دولتی می خواهد بار اضافی هر چیزی را از روی دوش خود بردارد تحت عنوان اینکه درگیر تحریم هستیم و... از این نظر به طور کلی هر چیزی را بار اضافی می بینند؛ به ویژه خدمات را چون خدمات همیشه برای دولت دردسرس است. قسه کار عمرانی فرق می کند؛ این کاریک فعالیت اقتصادی دارد و به چشم می آید، اما معمولا خدمات به چشم کسی نمی آید، در نتیجه چون نه جنبه تبلیغی برای دولت دارد و نه جنبه عملیاتی، دولت آن را به حال خود گذاشته است. به همین منظور ایده این است که تا جای ممکن دست مردم را برای دادن خلایقیت هایاز کند و تا امکان بازار را متنوع کند، یعنی اگر به اقتصاد دان های راست بگوئید می گویند چه اشکالی دارد و هر کس در هر انتخابی خواست می تواند داشته باشد. این آموزش را مانند ماست خریدن می دانند که در فروشگاه هر ماستی خواستید می توانید بخرید، در نتیجه اعتقاد دارند باید تنوع در بازار وجود داشته باشد. علوم سیاسی راست هم اسم این را آزادی می گذارد، یعنی تنوع در بازار از جزء آزادی و لوازم آن می دانند که شما دسترسی آزاد به خدمات و اجناس متنوع در بازار داشته باشید؛ چه از منظر دولت و چه از منظر اقتصاد دان های لیبرال و چه از منظر علوم سیاسی لیبرال نگاه کنیم این مساله توجیه پذیر است، مگر کار خلاف عرفی در این کلاس ها اتفاق بیفتد و کار عجیبی انجام دهند و سر و صدایی کنند و گرنه اساسا این تبدیل به مساله نمی شود. چه چیزی مساله می شود؟ استاد بیوم رفتن بانوان! علوم سیاسی این را تبدیل به مساله می کند و دولت روی این مساله می ایستد و جنبه تبلیغی خوبی برای او دارد. نصف کشور را می تواند با این کار خطاب قرار دهد، در نتیجه فروزیند مساله سازی دارد که مختصات زمین بازی خیلی مهم است. مثلا یک بار خودم شخصا در باره مساله آب یک یادداشتی همراه استاد نوشته بودم منتها برای چند سال پیش است و سوال من این بود که بالاخره در این علوم اجتماعی یک نفر نگاه کند، انواع علوم اجتماعی از جامعه شناسی تا علوم سیاسی داریم، نمی گوید در یک کشور نیمه خشک چرا آب مساله نشده است، معلوم است ویر یعنی معلوم است در رویا چرا آب مساله نشده است، معلوم است ویر چرا به آب فکر نکرده، چون آب مساله نبوده است. ولیکن در کشور نیمه خشک همیشه آب مساله بود، چرا این علوم هیچ کدام به مساله آب نپرداخته اند؟ جواب این است که شما سازو کارهای مساله سازی متفاوتی دارید، یعنی به طور تاریخی یا دولت مساله می سازد و می گوید یک چیزی مساله است یا رسانه ها این کار را می کنند یا نهاد علم، یعنی نهاد علم می گوید این مساله است. در این موضوع مورد بحث ما نیز همین طور است.»

